



2012/07/04

انجنیر ستار کریمپور

## نکاتی چند در باره نوشته جناب آقای نعیم بارز

با تقدیم سلام و عرض ادب خدمت جناب آقای بارز،

ابتدا خواستم تا از ابراز نظر در مورد موضوعی که جناب شما در درجه نظریات آنرا به نظر خواهی گذاشته اید در گذرم، زیرا با آنکه با اصل منطق استدلال تان موافق نیستم ولی لا اقل سه مورد نتیجه گیری تان در خور تمجید و ستایش میباشد؛ حیف آمد که این نتیجه گیری بر یک مقدمه ضعیف استوار بماند، پس با اجازه جناب شما میخواهم از یک دید متفاوت به این موضوع نظر بیاندارم؛ امید وار هستم تا باعث ملال خاطر تان نگردد:

1-- در "قسمت ماهیت قانونی دولت و حقانیت و یا عدم حقانیت رئیس جمهور کرزی" جناب شما میفرمائید که: " پس از سقوط نظام طالبی، دولت افغانستان به اساس توافق نیروهای داخلی و بین المللی تحت سرپرستی سازمان ملل ".... جناب آقای بارز این همه "گناه عظیم" را به گردن یک موسسه بیچاره و بی صلاحیت انداختن بدور از انصاف است. دیر زمانی است که سازمان ملل متحد در بند قدرت های بزرگ قرار گرفته و صرفاً دست آویز همین قدرت ها میباشد. جناب آقای بارز بیاد بیاورید زمانی را که شوروی سابق به افغانستان آزاد و مستقل وحشیانه و بدون در نظر داشت موازین حقوق بین الملل حمله نمود؛ باوجود مخالفت ها و اعتراضات کشور های عضو، از سازمان ملل بجز از صدور اعلامیه های سالانه کاری ساخته نبود. و باز هم بیاد بیاورید آنزمانی را که امریکا قصد حمله بالای عراق را داشت و با پیشکش نمودن اسنادی که خود بعداً به جعل آن اعتراف نمود از سازمان ملل دستور حمله را به یک کشور عضو سابقه دار همین موسسه بدست آورد. باز هم به اصطلاح دور نمیرویم و به همین کشور مصیبت زده خود نظر می اندازیم که آقایان محمود مستری و بینان سیوان، نمایندگان خاص سازمان ملل متحد در امور افغانستان، در طول چندین سال پیهم موفق به یافتن راه حلی برای معضله افغانستان نگردیدند؛ ولی بعد از واقعه یازدهم سپتامبر چون منافع امریکا ایجاب مینمود، چند نفر از افغانها را در بُن بدور میزی جمع نموده (به اصطلاح عوام: از گوش هایشان گرفته) و بعد از فقط دو هفته مزده تولد نا میمون دولت جدید را به همه ما دادند. گذشته از آن جناب آقای بارز حتماً به خاطر دارند که حتی در همان جلسه بُن نیز آقای حامد کرزی کمترین رأی را بدست آورده بود. اصطلاح "آب زور سر بالا میروند" همین را گویند. پس به نظر این حقیر اگر جمله فوقانی جناب شما به این شکل اصلاح گردد بهتر خواهد بود: " به اساس توافق [یکتعداد از] نیروهای داخلی و بین المللی به دستور و هدایت ایالات متحده امریکا ...."

2-- " بعداً بر اساس تشکیل لویه جرگه، قانون اساسی و انتخابات رئیس جمهور و وکلای مردم در ولسی جرگه تبارز نمودند....جناب آقای بارز آیا منظور تان از همان "لویه جرگه" است که زلمی خلیل زاد آنرا رهبری و اداره مینمود؟ همان "لویه جرگه" که افتتاح آن به تعویق افتاد زیرا تا ساعت سه شب قبلی آن خلیل زاد با پرروئی تمام به شاه سابق افغانستان توصیه مینمود تا از کاندیدی خود برای زعامت آینده کشور منصرف گردد در غیر آنصورت "تهدید به قطع کمکهای امریکا نمود."؟ در تاریخ کشور ما جرگه های عنعنوی جهت مشوره برای دولت ها و یا هم حل مشکلاتی که دولتها از عهده آن بر آمده نمیتوانستند، دعوت می شدند. اما متأسفانه جرگه های سیاسی دهه های اخیر صرفاً برای این دائر میگردند تا بالای تصامیم از قبل اتخاذ شده مهر تأیید بزنند یا به اصطلاح به آن فیصله ها شکل قانونی بدهند. اگر چنین نیست پس رژیم های خلق و پرچم نیز از همین قماش جرگه ها دائر نمودند؛ آیا آن جرگه ها برای آن رژیم ها قانونیت بخشید؟ ابداً نی.

در قسمت انتخابات ریاست جمهوری شما خود نیز اظهار میدارید که در "انتخابات ریاست جمهوری و ولسی جرگه دست بازیهایی از خارج و داخل در کار بوده و تقلب کاری هایی صورت گرفته".... جناب آقای بارز حتماً بخاطر دارند که در روز انتخابات صدها مرکز رأی دهی نظر به دلائل امنیتی مسدود ماندند و بعداً نیز رسوائی و ویدیو های تقلب در جریان انتخابات از تلویزیون های سراسر جهان پخش گردید. گذشته از آن بااساس ارقام منتشر شده، از جمله ۱۵,۶ میلیون افراد واجد شرایط

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دليکنې دليکنيزې ښې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

رای دهی صرفاً ۴,۵ میلیون نفر و یا بصورت تخمینی در حدود ۲۸ فیصد در انتخابات ریاست جمهوری اشتراک ورزیدند (در ولایات شمالی و مرکزی بین ۳۰ تا ۴۰ فیصد و در ولایات جنوبی و شرقی بین ۱۰ تا ۲۵ فیصد) که از آن میان جناب آقای کرزی با بدست آوردن ۴۹,۶۷ فیصد آرا به مسند قدرت تکیه زد. حال سوال در این است که آیا به نظر جناب شما رقم ۲۸ فیصد برای یک انتخابات واقعی کافی است و آیا یک رئیس جمهوری که صرفاً با تخمیناً ۱۴ فیصد کل آرا (از مجموع ۱۵,۶ میلیون) انتخاب شده باشد قانونیت دارد؟

قضاوت را به جناب شما می گذارم.

جنجال های انتخاباتی شورا را همه شاهد بوده ایم که تا همین چند ماه پیش نیز ادامه داشت. شورا که باید مظهر اراده ملت باشد متأسفانه به صحن بوتل پرانی ها، موی کندن ها، فحاشی ها مبدل گردیده که در جلسات آن معمولاً بیشتر از نصف اعضا حضور ندارند (حساب غیر حاضر های دائمی جدا است) و نصف دیگر نیز یا دست شان در بینی مصروف حفاری هستند و یا هم به خواب فرو رفته اند. خود اعضای همین شورا بالای همدیگر شهادت میدهند که "بیشتر از مناصفۀ اعضا با استخبارات کشور های خارجی در ارتباط هستند." احصائیه های اخذ شده از مؤسسات مستقل بین المللی حکایت از آن دارد که بیشتر از نود در صد اعضا با زور، رشوه، تهدید، تخویف، تقلب . . . به شورا راه یافته اند. این همه واقعاً خجالت آور است. پس از همچو شورا توقعی بیشتر نباید داشت .

(با عرض معذرت از عده معدود اعضای شورا که واقعاً با نیت خدمت و با رأی واقعی مردم انتخاب گردیده اند.)

3-- جناب آقای بارز در جای دیگر می فرمائید که " زمانیکه مردم قابلیت انتخاب بهتر را پیدا کنند".... یعنی مطلب جناب شما اینست که همین "دولت فاسد" (به گفته خود شما) به علتی بوجود آمده چونکه مردم قابلیت نداشته اند و اگر (در آینده) قابلیت پیدا کنند انتخاب بهتر و دولت بهتر نصیب شان خواهد شد !

جناب آقای بارز اولاً عرض نمایم که من کلمۀ قابلیت را برای آن ملت مظلومی که جبر روزگار چنان بیچاره و زیونش ساخته است که دیگر هیچ اختیاری بر مقدرات خود ندارد به کار نمیبردم. ملتی درمانده و خسته از جنگ که تنها آرزویش سیر نمودن شکم گرسنه اولادش و زنده ماندن در این دنیای وحشتناک میباشد. نه کمونیزم برایش حداقل امکانات زندگی را فراهم نمود و نه اخوانیزم و نه طالبانیزم و نه هم دیموکراسی امریکائی؛ نه دیگر به انتخابات علاقه دارد و نه به دولت سازی زیرا از هر دو بوی ظلم، فساد، بیعدالتی، و بدبختی می آید. به صراحت میتوان گفت که گناه عظیم سلب اعتماد مردم از دولت و انتخابات بدوش همین دولت فعلی است. یکی از بدبختی های سه دهه جنگ از بین رفتن اعتماد نسبی است که مردم بالای دولت های گذشته داشتند و مطمئن باشید که سالیان بیشمار و دولت های مردمی، مؤثر، و دلسوز زیادی ضرورت است تا عوام الناس دوباره به دولت و انتخابات علاقه مند گردند.

ثانیاً قسمیکه فوقاً با ارائه دلایل نکر گردید همین دولت در امریکا طرح و دیزاین، در آلمان بسته بندی، و بعداً به اصطلاح انگلیسی به شکل \* (As Is) به مردم افغانستان عرضه گردید. اینکه دولت آقای کرزی بعداً موجبات درد سر برای امریکا گردید این مسأله به مردم افغانستان هیچ ارتباطی ندارد و به اصطلاح عوام "سر بد در بالای بد".

4-- خوب حال می آیم بالای مطلب اصلی که مرا واداشت تا تبصره بالای پیشنهاد شما نموده و نظریات چند خدمت تان ارائه نمایم :

با در نظر داشت دلایلی که در فوق به آن اشاره گردید و تأیید جناب شما مبنی بر اینکه دولت فعلی آغشته در فساد میباشد؛ آیا هنوز هم فکر میکنید که این دولت صلاحیت عقد قرارداد های اقتصادی بزرگ و عقد پیمانهای ستراتیژیک را باید داشته باشد؟ جناب آقای بارز تشویش شما کاملاً بجاست ولی اشکالی که در آن وجود دارد اینست که شما متأسفانه با پیشنهاد خود صید را از نزد شغال گرفته ولی آنرا در دهان گرگ قرار میدهید (محضاً یک تشبیه تفنی). اعضای همین دولت کنونی میلیون ها دالر سرمایه کابل بانک را به یغما بردند (این تنها یک مثال از دزدی های منسوبین دولتی است)، آیا چه ضمانتی وجود دارد که عواید بدست آمده از مس عینک، معادن حاجی گک، میدانهای نفت شمال و غیره و غیره به جیب همین چپاولگران نیافتند؟ به

د پانوی شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
پاڼه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

نظر میرسد که جنجال فعلی میان دو طرف نه بخاطر مصالح ملی، بلکه بیشتر بخاطر منافع شخصی بروز نموده است. به نظر این هیچمدان بجای موجه جلوه دادن دولت آقای کرزی در عقد قراردادهای بهتر آن خواهد بود تا از طریق مراجع حقوقی بین المللی یکنوع مکانیزم نظارت بالایی همچو قراردادها ایجاد گردد و همچنان برای عواید بدست آمده از قرارداد های اقتصادی یک (Trust Fund) یا صندوق وجهی تأسیس گردد تا جلو حیف و میل سرمایه های ملت گرفته شود.

5-- یک نکته را میخواهم به جناح های سیاسی رقیب آقای کرزی توصیه نمایم و آن اینکه بهیچوجه کوشش نکنند تا از نوشته این حقیر بهره برداری سیاسی نمایند چه همین افراد منصوب به "جبهه ملی" و "ائتلاف شمال" خود تا گلو در لجن زار خیانت و فساد غرق بوده اند و تا دیروز که در داخل دولت و در چور و چپاول مصروف بودند صدایی از اوشان به گوش نمیرسید ولی زمانی که از دولت رانده و از چاپیدن بی بهره گردیده اند، به هر سو زوزه سر داده اند (صحنه به خاطر آمد که باری آنرا در تلویزیون مشاهده نموده بودم: شیری آهوی معصومی را صید نموده بود. در فاصله نه چندان دور از این صحنه گفتار ها به هر سو جست و خیز زنان سر و صدا براه انداخته بودند ولی جرأت نزدیک رفتن را نداشتند. شیر همچنان آرام و بی اعتنا مشغول دریدن و خوردن صید خود بود و بعد از آنکه دیگر میلی به خوردن نداشت مابقیه صید را همانجا رها و با غروری که در رفتارش هویدا بود راه بیابان را در پیش گرفت. با رفتن شیر گفتار ها فوراً بالای صید هجوم برده مصروف خوردن شدند و آنهمه سر و صدا ها بیکیاره خاموش گردیدند ولی دیری نگذشته بود که شروع نمودند به چنگ و دندان نشان دادن به همدیگر....).

6-- در اخیر عرض نمایم که با اظهارات تان در باره موجودی بنام رشید دوستم کلاً موافق هستم اما با یک گلایه و آن اینکه این موجود، که حتی گذاشتن نام انسان بالایش نا مناسب میباشد، باید با شدید ترین کلمات نکوهش گردد. من فکر نکنم که در تاریخ سیاسی افغانستان، از روزگاران قدیم تا الحال، موجودی درنده تر، خونخوارتر، کثیفتر، وحشی تر، خائن تر، هرزه تر... از همین رشید دوستم وجود داشته بوده باشد. رشید دوستم مرتکب هزاران نوع خیانت ملی گردیده که هیچگاه بخشیدنی نیست. ولی سوال در این است: کسیکه از خائن ملی حمایت میکند آیا خود مرتکب خیانت نمیکرد؟ آیا همین رشید دوستم جنرال بر حال دولت جناب آقای کرزی نیست؟ آیا به تعقیب وارد نمودن اتهامات از جانب لوی خانونالی، جناب آقای کرزی فوراً در حمایت از رشید دوستم اعلان نکرد که "کسی جنرال صاحب را به خیانت ملی متهم نکرده...." با عرض ارادت

انجنیر ستار کریمپور از مونتریا کانادا

\*\*\*\*\*

(As Is) با تلفظ «آز ایز» یعنی به شکل موجود و بدون هر نوع تضمین. معمولاً در قسمت خرید و فروش اشیای

د پانوی شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ